



## بررسی انسان‌شناسی نمادین مناسک و آئین‌های شمنی در بین اقوام ترکمن براساس دیدگاه کلیفورد گیرتز

شاهپور قُجقی نژاد<sup>I</sup>

علی باصری<sup>II</sup>

محمود سید<sup>III</sup>

وحید رشیدوش<sup>IV</sup>

(صص: ۲۳۵ - ۲۱۹)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۲۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۱/۱۷

شناسه دیجیتال (DOI): 10.30699/PJAS.4.11.219

### چکیده

یکی از بنیادی‌ترین مباحث در مطالعات دینی، مبحث ادیان ابتدایی است. پژوهش دربارهٔ ادیان ابتدایی از سدهٔ نوزدهم میلادی آغاز شد. رشته‌ای که مطالعه در این زمینه را عهده‌دار شد «انسان‌شناسی» و سپس «انسان‌شناسی دین» نام گرفت. این رشته به تدریج از مسألهٔ «خاستگاه» فراتر رفت و برای شناخت دین و ریشه‌های آن به مطالعهٔ فرهنگ جوامع روی آورد و از آنجا که نمادها مهم‌ترین اجزاء فرهنگ هر جامعه را تشکیل می‌دهند، شناخت نمادهای هر فرهنگی لازمهٔ شناخت فرهنگ و دین آن جامعه است. این مقاله می‌کوشد انسان‌شناسی نمادین تصورات و باورهای کهن اقوام ترکمن را که در باورها و آئین‌های شمنی این اقوام می‌گنجد، مورد پژوهش قرار دهد. باورهای شمنی از اعتقادات و باورهای کهن و پیشین اقوام ترکمن است. در بین ترکمن‌ها آئین شمنیسم شیوهٔ درمانی است که مبتنی بر باورهای کهن قومی همچنان روح‌پنداری مرسوم است که به تدریج با باورهای دینی آمیخته شده‌اند و نمادهایی از آئین‌های شمنی با آمیختگی‌های دینی تا به امروز به حیات خویش ادامه داده‌اند. هدف اصلی این پژوهش بررسی مفاهیم بنیادین نمادهایی است که از باورها، آئین‌ها و مناسک شمنی اقوام ترکمن که از ادیان ابتدایی آن‌ها نشأت یافته است. پرسش‌های اساسی پژوهش عبارتند از: شمن‌ها به عنوان بخشی از درمان‌گران بومی جامعه از نظام اعتقادی کهن مردم ترکمن، چه تصویری را بازتاب می‌دهند؟ عناصر نمادین شفابخش در آئین شمنیسم اقوام ترکمن کدام‌اند؟ نظام اعتقادی مردم ترکمن و خاستگاه‌های فرهنگی-بومی آن‌ها در ارتباط با باورهای شمنی چگونه تبیین می‌شوند؟ اطلاعات و یافته‌ها با روش میدانی و مشاهدهٔ مستقیم مردم‌شناسانهٔ مبتنی بر رویکرد قوم‌باستان‌شناسی به همراه استفاده از منابع موثق کتابخانه‌ای، گردآوری شده‌اند. یافته‌های اصلی پژوهش به پایهٔ نمادها و نشانه‌های شمنیسم، به عنوان باورها و آئین‌های کهن اقوام ترکمن استوار است. پری‌خوان‌ها (پرخوان) در بین اقوام ترکمن به عنوان اصلی‌ترین و آخرین بازماندهٔ شمن‌ها به شمار می‌روند. هر یک از پری‌خوان‌ها لشکری از اجنه را در اختیار و فرمان خود دارند. در این پژوهش سعی خواهد شد به پرسش‌های اساسی مانند عناصر کلیدی نمادین در آئین شمنیسم، جایگاه شمن باوری در نظام اعتقادی ترکمن‌ها و خاستگاه‌های تاریخی-فرهنگی آئین شمنیسم در فرهنگ اقوام ترکمن پاسخ دهد.

**کلیدواژگان:** انسان‌شناسی نمادین، انسان‌شناسی دین، شمنیسم، ترکمن، پری‌خوان.

I. دانشجوی دکتری مردم‌شناسی، دانشکدهٔ علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

II. استادیار گروه مردم‌شناسی، دانشکدهٔ علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران (نویسندهٔ مسئول).  
Baseridon@gmail.com

III. استادیار گروه تاریخ و باستان‌شناسی، دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

IV. استادیار گروه مردم‌شناسی دانشکدهٔ علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

## مقدمه

بی‌تردید در بین متفکران معاصر در حوزه انسان‌شناسی نمادین، «کلیفورد گیرتز» یکی از مشهورترین انسان‌شناسان در این حوزه است و این امر، به دلیل رویکرد خاص وی به مسأله فرهنگ و رویکرد جدید وی به علوم انسانی و علوم اجتماعی است. جایگاه گیرتز فراتر از مرزهای انسان‌شناس، به‌عنوان چهره فرارشته‌ای در علوم اجتماعی است. رویکرد نظری او در انسان‌شناسی نمادین گسترده و ترکیبی از نظریه‌های فلسفی، انسان‌شناختی، جامعه‌شناختی و حتی زبان‌شناختی است. تحلیل رفتارها و کنش‌های دینی از موضوعات محوری در عرصه انسان‌شناسی دین است. این‌که چگونه می‌توان رفتارها و کنش‌ها را به صورت عینی و واقعی و بسان یک پدیده مورد مطالعه قرار داد، یکی از مسائل جدی انسان‌شناسی دین است. همین مسأله باعث شد تا در نیمه دوم قرن بیستم م. تحولات گسترده‌ای در نظریه‌پردازی علوم انسانی و اجتماعی نسبت به پدیده‌های فرهنگی و دینی ایجاد شود. به‌طور کلی در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ قرن بیستم میلادی، انسان‌شناسی نمادین و تفسیری با رویکرد خاص خود نسبت به فرهنگ درمقابل گرایش‌های مادی، مانند ماتریالیسم یا پوزیتیویسم فرهنگی قرار گرفت. در این طرز تلقی، پدیده‌های فرهنگی از این باور حرکت می‌کند که فرهنگ مجموعه‌ای از معانی است که از خلال نمادها و نشانه‌ها درک و دریافت می‌شوند، و برای درک آن ابتدا باید سراغ تحلیل این نمادها رفت. کسی‌که چنین مدلی را بسان روش در انسان‌شناسی مورد تأکید قرار داده، کلیفورد گیرتز است. او توانسته است دگرگونی‌های گسترده‌ای در تعریف فرهنگ با رویکرد روش‌شناسی تفسیری پدید آورد. او برپایه مشاهده و بازگشت به میدان در علوم اجتماعی الگوی تازه‌ای به روش «تأویل و نشانه‌شناسی» در انسان‌شناسی دین ایجاد کند (فکوهی، ۱۳۸۶: ۱۰۸).

او روش کار خود را معناشناسانه می‌خواند و بر این باور است که مردم‌نگاری (قوم‌باستان‌شناسی) یا پژوهش انسان‌شناختی عملی خلاق است و پژوهشگر انسان‌شناسی بیش از هرچیز، با تفسیر فرهنگ و بازمایی آن برای خواننده، درگیر می‌شود؛ بنابراین نخستین پرسش گیرتز به این مسأله معطوف می‌شود که «نمادها» چگونه خود را در قالب کنش‌های جمعی و عمومی نشان می‌دهند (همان: ۱۱۹). او برپایه همین رویکرد، کتابی به نام تفسیر فرهنگ‌ها منتشر کرد که طرح اصلی‌اش بر این نظریه استوار بود (Geertz, 1973).

**اهداف و ضرورت پژوهش:** این پژوهش در پی بررسی شمنیسم در بین ترکمن‌هاست. این نظام فکری از مهم‌ترین کهن‌الگوی ترکمن‌ها است که در ساختار اعتقادی آن‌ها رسوخ کرده است، به‌گونه‌ای که باوجود پذیرش اسلام از سده‌های پیش تاکنون، امروزه نیز نشانه‌ها و نمادهای شمنیستی در آئین‌ها و مناسک قومی ترکمن‌ها متجلی است. «پری خوان‌ها» به‌عنوان اصلی‌ترین و آخرین بازمانده شمن‌ها در بین قوم ترکمن معروف هستند. در بیان معنی و مفهوم پری خوانی تعابیر مختلفی وجود دارد. در تلفظ فارسی برخی آن‌را «پری خوان» به معنی کسی‌که «ذکر الله» می‌گوید، گفته‌اند؛ همچنین پری خوان را برگرفته از واژه «پری خوان» به معنی «بزرگ و خان جن و پری» نیز گفته‌اند. ولی آنچه بیش از همه دقیق و صحیح به نظر می‌رسد، -کسی است که با اعمال خود لشکری از اجنه و پری را در اختیار و فرمان خود قرار می‌دهد-؛ هرچند بیشتر منابع تاریخی و مورخین، پری خوانی را بازمانده «آئین شمنیسم» می‌دانند، اما آنچه وجود چنین ارتباطی را می‌تواند به طریق عملی مورد تأیید قرار دهد، نشانه‌ها و یا نمادهایی است که تاکنون برای شمنیسم شناخته شده‌اند و از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به «آتش»، «خلسه ارتباط با ارواح» و «شکار» اشاره کرد.

**پرسش‌های اناسی پژوهش:** شمن‌ها به‌عنوان بخشی از درمان‌گران بومی جامعه از نظام اعتقادی کهن مردم ترکمن، چه تصویری را بازتاب می‌دهند؟ عناصر نمادین شفابخش در آئین

شمینیسم اقوام ترکمن کدام‌اند؟ نظام اعتقادی مردم ترکمن و خاستگاه‌های فرهنگی-بومی آن‌ها در ارتباط با باورهای شمنی چگونه تبیین می‌شوند؟

**روش پژوهش:** پژوهش حاضر برپایه روش مردم‌شناسی با رویکرد قوم‌باستان‌شناسانه (مردم‌نگاری) است. برای گردآوری داده‌ها از دو روش مشاهده توأم با مشارکت و مصاحبه میدانی بهره گرفته شده است. یافته‌های این پژوهش از طریق مشاهده آشکار و مشاهده پنهان گردآوری شده‌اند. جهت ثبت وقایع از یادداشت‌های روزانه استفاده شده، و در هرروز پس از اقامت و مشاهده آئین و مراسم، تصاویر و مصاحبه‌ها جمع‌آوری شده‌اند. در پایان اجرای مراسم، مصاحبه مفصل‌تری با درمان‌گران شمن درخصوص روش‌ها و شیوه‌های مداوا انجام شد و طی یک مصاحبه مفصل، راز مداوای بیماران ازسوی پری‌خوان آشکار شد. هنگام ثبت مراسم در بین زنان درمان‌گزار مصاحبه پنهان بهره گرفته شد.

### پیشینه پژوهش

در حوزه فرهنگ و آئین ترکمن‌های ایران، پژوهش‌های متعددی انجام شده که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. کتاب ایرانیان ترکمن پژوهشی در مردم‌شناسی و جمعیت‌شناسی ترکمن‌های ایران از «اصغر عسکری خانقاه» و «محمدشریف کمالی» است. در این کتاب به مهاجرت اقوام ترکمن، سازمان اجتماعی، ترکیب جمعیتی، آداب و آئین‌های اقوام ترکمن پرداخته شده است؛ مؤلفان این اثر درباره نقش طوایف مقدس به‌عنوان درمان‌گران بومی اشاراتی نموده‌اند (عسکری خانقاه و کمالی، ۱۳۷۴). «ولادیمیر مینورسکی» رساله خود را درباره ترکمن‌ها باعنوان تاریخ مختصر ترکمن‌ها در سال ۱۹۶۰ م. منتشر کرد. در این اثر تاریخ و فرهنگ مردم ترکمن مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. نگارنده به سیر مهاجرت اقوام ترکمن و ادیان ابتدایی آن‌ها و برخی از باورها در دوران توتمیسم پرداخته است (مینورسکی، ۱۹۶۰: ۲۰). ترکمن‌های یموت نام اثر دیگری است که از «ویلیام آیرونز» انسان‌شناس آمریکایی او در این پژوهش ساختار قوی و سازمان اجتماعی ترکمن‌های یموت را مطالعه نموده و به ساختار قومی اقوام ترکمن پیش از یکجانشینی از جنبه‌های مختلف پرداخته است؛ در صفحاتی از این اثر به درمان‌گری بومی این اقوام اشارات مختصری شده است (آیرونز، ۱۳۸۶). ترکمن‌های ایران اثر «لوگاشوا» درباره سیر مهاجرت و ادیان ابتدایی اوغوزها و جغرافیای جمعیت ترکمن‌های جهان مطالبی ارائه نموده است (لوگاشوا، ۱۳۵۹). یکی از مهم‌ترین آثار درباره فرهنگ اقوام ترکمن، تاریخ ترک‌های آسیای میانه است که به فارسی ترجمه شده است (بارتولد، ۱۳۷۶). پژوهشی درمورد درمان‌گری بانوان ترکمن نیز منتشر شده است (مقصودی، ۱۳۹۲). در دهه گذشته نیز مقاله‌ای درمورد پری‌خوانی منتشر شده است (مرادی، ۱۳۸۹).

### ادیان ابتدایی اقوام اوغوز (ترکمن‌ها)

کهن‌ترین آثاری که می‌توان به‌عنوان میراث مکتوب ترکان اوغوز از آن یاد کرد، سنگ‌نبشته‌های «گوگ‌ترک» (ارخون) است. در این کتیبه‌ها که امروزه در کشور مغولستان واقع شده‌اند، اشارات فراوانی به دین باستانی ترکان شده و منبع قابل‌توجهی در دین‌شناسی باستان ترکان است (Menges, 1995: 8).

«راسونی»، دین باستان ترکان را «دین قامایی» می‌نامد و می‌گوید که در این دین، عنصر اصلی همه تصورات مذهبی، باور به «گوگ‌تانگری» (خدای آسمان) روح و آخرت است. «ضیاء گوگ‌آلپ»، دین باستانی ترکان را دین «تیسین» (Tisin) می‌داند و به آن «شامانیزم» هم می‌گوید و «قام‌ها» را روحانیان این دین می‌شناسد. به نظر وی، باورهای این دین براساس چهار عنصر طبیعت (آب، آتش، خاک، باد) و چهار حیوان (گوسفند، مرغ، سگ و گاو) قوام یافته است. «ژان

پاول رو» تأکید دارد که دین کهن ترکان اوغوز را فقط می‌توان شامانیسم نامید. به اعتقاد وی لفظ «شمن» واژه تونگوزی است و شکل اصلی آن «شان من» بوده و در ترکی به صورت «قام» درآمده است. «عثمان توران» ترک‌شناس ترک معتقد است در کتیبه‌های گوگ‌ترک باور به تانگری، در معنای تبیین خلقت کائنات است؛ از سوی دیگر، او معتقد است در دین باستانی اوغوزها قام‌ها افرادی منتفذ بودند و نقش اولیا را داشتند. در ترکی «قام» جای «شمن» را گرفته است. «شمن» واژه تونگوزی است و مهد این آئین در سیبری است. قام‌ها نقش روحانیان را در میان ترکان داشتند و دارای نیروهای فوق طبیعی بودند (Inan, 1988: 159).

دیگر ترک‌شناس اهل کشور ترکیه، «ابراهیم قفس اوغلو»، دین یکتاپرستی «گوگ تانگری» را دین اصلی و باستانی ترکان می‌نامد و اعتقاد به ارواح چشمه، کوه، صحرا، ماه، خورشید، رعد و برق غیره را نیز دور نمی‌داند (قفس اوغلو، ۲۰۰۵، ۲۳).

بنابراین، شمنیسم از باورهای اولیه ترکان اوغوز بوده و اکثر منابع به رواج این مذهب در میان مردم ماوراءالنهر در دوره پیش از اسلام اشاره کرده‌اند. در بین اوغوزها، شمن‌ها افراد مقدسی بودند که قادر به ارتباط با خداوند بوده و به فنون سحر و جادو مسلط بودند؛ همچنین اوغوزها، شمن‌ها را عامل ایجاد ارتباط با ارواح مردگان، شیاطین، جن و پری می‌دانستند و برای حل مشکلات خویش، آن‌ها را نزد خدایان واسطه می‌کردند. خدای مشترک ترکان اوغوز «خدای آسمان» یا «تانگری» (Tangry) نام داشت. از دید اوغوزها، شمن‌ها توانایی ایجاد ارتباط با تانگری را داشته‌اند. با وجود تعدد خدایان، خدای آسمان از همه خدایان برتر و خالق هستی بود. او به صورت انسان در بالاترین طبقه آسمان ساکن بود و با اداره عالم، سرنوشت بشر را تعیین می‌کرد.

«بارتولد» با توجه به کتیبه «اورخون» (Orxon)، مسلم می‌داند که عامه اوغوزها بر این اعتقاد بوده‌اند که روح انسان پس از مرگ تبدیل به پرنده می‌شود. اعتقاد به ارواح بخش بزرگی از اعتقاد ترکان شمنیست را تشکیل می‌داد (بارتولد، ۱۳۷۶: ۵۹).

از نظر اوغوزها، تمام پدیده‌های طبیعی شامل رودها، کوه‌ها و دریاچه‌ها صاحب روح بودند و حوادث طبیعی توسط ارواح و خدایان رخ می‌داد. پرستش آتش، خورشید و ماه نیز در بین اوغوزها رایج بود. ارواح محافظ کودکان، ارواح محافظ خانه‌ها، گله‌ها و... در فرهنگ مذهبی اوغوزها جایگاه ویژه‌ای داشتند. شمنیسم قرن‌ها بعد در بین ترکان اوغوزها رایج بود. در برخی از قبایل ترک، شمن‌های ساحر را «قره‌کام» یا «شمن‌های سیاه»، و دیگر شمن‌ها را «آق‌کام» یا «شمن سفید» می‌نامند و معتقدند که گروه اول با شیاطین و ارواح شرور و گروه دوم با خدایان در ارتباطند. این طرز فکر از روح پلید - سیاهی و روح پاک سفیدی است که سابقه‌ای بس کهن دارد. اوغوزها آتش را مقدس می‌شمردند، به آن احترام می‌گذاشتند، آن را می‌ستودند و آئین خاصی برای آن به جا می‌آوردند؛ زیرا علاوه بر ایجاد روشنایی و حرارت که دو رکن اصلی زندگی است. خاصیت تطهیرکننده داشت. آن‌ها اشیاء و لوازم بیماران را نیز در آتش ضد عفونی می‌کردند. در برابر چادرها، پیوسته آتش روشن بود و هیچ‌گاه خاموش نمی‌شد؛ همچنین آتش در بین شمن‌های اوغوز ابزاری برای مداوای بیماران بود. آن‌ها بیماران را از میان دو آتش عبور می‌دادند تا از آلودگی پاک شود (بارتولد، ۱۳۶۶: ۸۸).

شواهد باستان‌شناسی و مردم‌شناسی حاکی از آن است که شمنیسم در بین اوغوزها روش اولیه مداوای بیماری‌ها بوده است. در سنگ‌نوشته‌های کتیبه اورخون تصاویر به عنوان شکلی از سحر و جادو دلسوزانه، برای تأثیرگذاری بر شکار نقاشی شده است. تصاویری از شکل عقاب و شمن که احتمالاً شمن را در غالب یک روح پرنده نشان می‌دهد، مشاهده می‌شوند (Christian, 2007: 46). شمن، معرف یک شکل خاص مذهبی - جادویی در بین اوغوزها بود که با لباس خاص و موقعیت مشخص اجتماعی از مشاغل دیگر ممتاز می‌شدند. اوغوزها جهان را مملو از ارواح، اشباح

و قدرت مرموزی می‌دانستند و همهٔ مصائب، مشکلات و اصولاً کلیهٔ پدیده‌ها را به این قدرت‌ها منسوب می‌ساختند. مسلم است که در چنین فضای فکری، سلامتی و بیماری فردی و اجتماعی نیز وابسته به شرارت، کینه، دشمنی، ناخشنودی و یا برعکس رضایت و خشنودی این موجودات مرموز تصور می‌شد و برای ایجاد یا این ارواح بود و عامل ارتباط و مبارزه با عامل مددگیر نیز حکیم - ساحر دشمن به‌شمار می‌رفت. در چنین جوامعی هدف مورد نظر مداوا نبود، بلکه هدف شفایافتنی بود که با نوعی رهایی مربوط است (سومر، ۱۳۸۰: ۱۲۲).

در بین شمن‌های اوغوز، خلسه و ارتباط با ارواح دو رکن اصلی مداوای بیماران به‌شمار می‌رفته است. «میرچا الیاده» دربارهٔ خلسه در بین شمن‌های شمال و مرکز آسیا چنین آورده است: «اولین تجربهٔ خلسه، همیشه شامل جدا شدن از جسم که به دنبال نوسازی اعضای درونی بدن خواهد بود. عروج به آسمان و گفت‌وگو با ارواح برای تسلط به امور انجام می‌شود. نقش مهم شمن در شمال و مرکز آسیا نقش درمان‌گری جادویی است. در این منطقه اعتقادات مختلفی در مورد علت بیماری‌ها وجود دارد، اما اعتقاد به نابودی ارواح پدید قوت بیشتری دارد. در بین این شمن‌ها خلسه برای جدایی روح شمن از جسم او انجام می‌شود که راهی برای مداوای بیماران است. در این حالت شمن با ارواح یاور خویش، فرد بیمار را مداوا می‌کند؛ چراکه شمن‌ها معتقدند این ارواح شیطانی است که بیماری (جسمی-روحي) را به وجود می‌آورد. بنابراین درمان‌گر برای مداوای بیمار، روح شیطانی را از طریق خلسه و اتباط با عالم دیگر از وجود بیمار دور می‌کند و از این طریق به مهار نیروهای شر در درون بیمار می‌پردازد (الیاده، ۱۳۹۲: ۱۴۹).

### شیوهٔ مداوای شمن‌ها

شمن و شمنیسم، از جمله موضوعات مهم در انسان‌شناسی دین است. شمنیسم موضوع جدیدی نیست، بلکه هر تحقیق و پژوهشی که دربارهٔ ادیان صورت می‌گیرد، بخشی هم به این موضوع اختصاص داده می‌شود. آنچه شمن را از سایر جادوگران متمایز می‌سازد این است که شمن‌ها جادوگر نیستند، بلکه طبیب و حکیم نیز هستند؛ اما شاخصهٔ اصلی که آن‌ها را از سایر ساحران و کاهنان جدا می‌سازد، توجه جدی و زیاد شمن‌ها به امر خلسه است. پس همهٔ شمن‌ها، جادو درمان‌گر هستند، اما هر جادوگری شمن نیست؛ در واقع ویژگی خلسه باعث شده که مکتب شمنیسم به حوزهٔ عرفان وارد شود. نکتهٔ بسیار مهم این است که آخرین ویژگی که مجوز شمن بودن شخص را صادر می‌کند، فرو رفتن به عالم خلسه است. شمن‌ها به شرط تن دادن به آئین‌های سخت تشریف و موفقیت در مراحل دشوار آن و پشت سر نهادن تجربهٔ خلسه، شمن خواهند شد؛ در غیر این صورت ورود به عالم شمن‌ها را پیدا نخواهند کرد. اهمیت خلسه در آئین شمنیسم از آن جهت است که تمام کارکردهای شمن به یک معنا به خلسه مرتبط است. شمن از این طریق می‌تواند برای بیماری‌ها، سرگردانی روح، دزدیده شدن روح و یا تسخیر آن و غیره، عموماً با ارواح یا ارواح یاری‌گر و ارواح محافظ خدایان جهان زیریان (جهان مردگان و خدایان آسمانی) ارتباط برقرار کند و از آن‌ها کمک بطلبد. در واقع شمن‌ها، جادوگر، حکیم و ساحر نیز هستند. او مانند همهٔ پزشکان قادر به درمان است و مانند تمام جادوگران می‌تواند کارهای خارق‌العاده‌ای انجام دهد (الیاده، ۱۳۸۲: ۱۲۹).

شمن‌ها در میان قبایل خود به مداوا، سحر و تسخیر ارواح می‌پردازند. یک شمن دارای این قدرت است که از جسم خود خارج شود و به کمک روحی که حافظ است، به قلمرو ارواح پا گذارد و در آنجا ارواحی را که موجب بیماری و شوم‌بختی فرد شده‌اند از میان بردارد؛ بدین ترتیب مداوای روحی شمن‌ها متوجه رفع علت که همان ارواح خبیثه‌اند می‌شد (همان: ۱۳۳).

## مفهوم واژه شمن و خاستگاه اولیه آن

از آغاز قرن بیستم میلادی قوم‌شناسان از واژه «شمن»، «ساحر» و «جادوگر» به جای یکدیگر برای نام‌گذاری افراد خاصی که دارای نیروهای جادویی - مذهبی هستند و در همه جوامع «ابتدایی» یافت می‌شوند، استفاده نموده‌اند. همین اصطلاحات در مطالعه تاریخی مذهبی اقوام و ملل «متمدن» به کار رفته است؛ مانند بحث‌هایی درباره شمنیسم هندی، ایرانی، چینی و حتی بابلی که با توجه به عناصر ابتدایی آن‌ها که در ادیان و مذاهب مشابه تأیید می‌شوند، مطرح بوده است و به دلایل بسیار، این خطوط و آشفتگی تنها می‌تواند مانع از هرگونه درک یا شناخت درست پدیده شمنی شود (Bosworth, 2003: 89).

اگر واژه شمن به معنی جادوگر، ساحر، حکیم ساحر یا اهل خلسه‌ای باشد که در سراسر تاریخ، مذاهب و قوم‌شناسی دینی یافت می‌شوند، در واقع شمن باوری یک رشته باورهای سنتی در برخی اقوام بومی است. شمن باوران معتقدند که به وسیله تماس با ارواح می‌توان بیماری و رنج افراد را تشخیص داد و درمان کرد و یا در افراد ایجاد بیماری نمود. دیدگاه شمن باوری یکی از روش‌های جادوپزشکی است و توان پیشگویی آینده نیز یکی دیگر از باورها در شمن‌گرایان است. شمن‌ها مدعی هستند که می‌توانند با روح خود به جهان دیگر سفر کرده و با دیگر ارواح تماس بگیرند. آن‌ها معتقدند که با این کار قادرند میان جهان مادی و جهان روحانی توازن برقرار کنند (یاکوبسن، ۱۳۶۶، ۱۵۹).

«الدیک» در کتاب حیوان و شمن توضیح می‌دهد یکی از مکان‌های اصلی و خاستگاه‌های مهم شکل‌گیری شمنیسم در جهان، آسیای مرکزی است. او رابطه میان نمادپردازی حیوانات آئین‌های شمنی درمان بخشی و روابط میان اقوام ترک، مغول و... را در ارتباط با شکل‌گیری، ظهور و تحول شمنیسم در این نقطه از جهان مورد بحث قرار می‌دهد. او، از جمله به یک بررسی تطبیقی شمنیسم در اوراسیا در اروپای اولیه و آسیای مرکزی می‌پردازد و معتقد است یک میراث مشترک قابل پیدا شدن در بین مردم مختلفی است که در آسیای مرکزی زندگی می‌کنند (Buldick, 2012: 25).

مهم‌ترین صورت‌های شمنیسم را می‌توان در آسیای مرکزی یافت. «سلطانوا» نویسنده کتاب از شمنیسم تا صوفیگری معتقد است که از آسیای مرکزی تا سیبری این صورت فرهنگی را می‌بینیم. شمنیسم تنها صورت درمان بخشی ندارد، در زندگی روزانه نیز کاربرد دارد و یک تلاقی بسیار بنیادی است میان اعتقادات دینی و میراث فرهنگی آن‌ها در ارتباط با موسیقی، رقص و شفا برگزاری که آئینی و موسیقی در قلب فرهنگ آسیای مرکزی، که در مراسم عروسی، مرگ و روزمره قابل مشاهده است (Wallis, 2019: 3).

## مبنای واژه شمن

واژه شمن از زبان تونغوزی سیبری گرفته شده و در اصل به معنی «دانا» است. برخی این واژه تونغوزی را به نوبه خود وام‌واژه‌ای می‌دانند که از واژه «سرمن» سانسکریت به معنی «پارسا» گرفته شده است، اما ارتباط این دو واژه کاملاً اثبات نشده است. کاربرد واژه شمن در زبان فارسی پیشینه‌ای طولانی دارد و در سروده‌های بزرگان شعر و ادب پارسی نمونه‌های متعدد از کاربرد آن دیده می‌شود. «جلال‌الدین محمد بلخی» شاعر قرن هفتم هجری قمری بارها از پری خوانی در اشعار خویش یاد کرده است؛ وی در برخی از این اشعار به اختصار از «حباب شیشه‌ای» و «زندانی کردن پری در شیشه» توسط پری خوان سخن می‌گوید:

در عشق سلیمانی من همدم مرغانم

هم عشق پری دارم، هم مرد پری خوانم

هرکس که پری خوتر در شیشه کنم زوتر  
پرخوانم افسونش حرافه بجنانم

(مولوی، ۱۳۸۶: غزل ۱۴۶۶).

واژه «شمن» از اصطلاح تونگوزی گرفته شده، اما ریشه آن از کلمه پالی «سامانا» یا «سمنه» و سانسکریت آن «سرامانا» یا «سرمنه» است، به معنی «راهب دوره‌گرد». روحانیان بودایی را در قدیم «سمن» می‌نامیدند. معنی «شمن» تونگوزی «موبد» یا «پزشک مرد» است. این مقام در بین سغدیان، کامان و در بین مغولان و ترک‌زبانان سیبری، قام یا کام است (Hastings, 1228: 207-208).

سغدیان به راهبان بودایی «سامان» می‌گفتند. اینان ساکنان باستانی دره زرافشان و نواحی مجاور آن بودند. از آنان آثاری در هزاره اول بعد از میلاد در ترکستان چین به دست آمده است، زیرا آنان به سراسر جاده ابریشم بازرگانانی گمارده بودند. این جاده، جاده بازرگانی کاروان بود که کرانه شرقی دریای متوسط (مدیترانه) را به چین مربوط می‌ساخت و از بین‌النهرین ایران و آسیای مرکزی و ترکستان شرقی (چین) می‌گذشت. تونگوها معتقدند که نیاکانشان این ساحران را در ایام قدیم از خارج وام گرفته‌اند تا ارواح مردگانشان را به آن دنیا هدایت کنند. در بین تونگوها، شمن‌های مختلفی وجود دارد؛ برای مثال، «پرچون سامان» کاهن قربانی است و «تاسامان» با ارواح ارتباط دارد (الیاده، ۱۳۷۲: ۱۸۴).

### چارچوب نظری

۱- **دین و باورهای دینی براساس رویکرد تفسیری گیرتز:** گیرتز، انسان‌شناس برجسته عصر حاضر، رویکرد تفسیری در زمینه بررسی دین و فرهنگ را پروراند. رویکرد تفسیری او در مقابل رویکرد پوزیتیویستی مطرح شد. رویکرد پوزیتیویستی، رویکردی تبیینی به شمار می‌آید که در جست‌وجوی یافتن علت و خاستگاه پدیده دین است و برای رسیدن به این منظور، دین راهبان را پدیده‌های طبیعی در نظر می‌گیرد و سپس همان روش بررسی پدیده‌های طبیعی را در مطالعه دین به کار می‌بندد؛ اما رویکرد تفسیری می‌کوشد تا معانی و ارزش‌های اعمال و مناسک دینی و فرهنگی را روشن کند و برای این منظور، اعمال و مناسک را به مثابه متنی در نظر می‌گیرد که دارای لایه‌های متعدد معانی است و سپس با توصیف عمیق به مطالعه آن‌ها می‌پردازد. با توجه به این امر، برخی رویکرد تفسیری را رویکردی غیرالهیاتی به شمار می‌آورند؛ زیرا به جای تمرکز و توجه به خاستگاه یا خدا، توجه خود را به ارزش‌ها و معانی معطوف می‌سازد. نکته شایان ذکر دیگر این است که رویکرد پوزیتیویستی نگاهی اتیک (Etic) دارد و پژوهشگر دین را از دریچه نگاه خود بررسی می‌کند، اما رویکرد تفسیری نگاهی امیک (Emic) یا درون‌دینی دارد و پژوهشگر، از منظر معتقدان و شرکت‌کنندگان در مناسک به بررسی دین می‌پردازد (همیلتون، ۱۳۷۷: ۸۹).

«گاه تعابیری نظیر معناشناختی، نشانه‌شناختی، نمادین یا هرمنوتیک به جای رویکرد تفسیری به کار می‌رود. نظر به این که براساس رویکرد تفسیری، معانی و ارزش‌ها در قالب نماد بیان می‌شوند. گیرتز برای شناخت دین و فرهنگ، توجه خود را به بازگشایی و تفسیر نمادها معطوف ساخت. خود وی در این باره می‌گوید: کاری که من می‌کنم در واقع نوعی هرمنوتیک فرهنگی است» (دی مور، ۱۳۸۹: ۲۸۹).

براساس چنین رویکرد تفسیری، دین، نظامی از نمادهاست که با شکل بخشیدن به مفاهیم نظم عمومی هستی، سبب ایجاد خلیقات و انگیزه‌های قدرتمند و فراگیر و پایدار در انسان می‌شود. می‌توان گفت که عنصر محوری این تعریف، نماد است. اساساً ریشه انسان‌شناسی فرهنگی به این موضوع برمی‌گردد که نمادها نخستین تولید انسان و نخستین ابزار انسان‌اند. نکته‌ای که

گیرتز نیز به آن معترف است، آن است که منظور از انسان‌شناسی تفسیری، تفسیر امری نیست که او ابداع کرده باشد و بر این نکته تأکید دارد که مرجع اصلی کار او ماکس وبر است؛ زیرا «وبر» بوده که نخستین بار مفهوم جامعه‌شناسی تفهیمی را مطرح کرده و همین جامعه‌شناسی تفهیمی است که عملاً در برابر جامعه‌شناسی کارکردی و پوزیتیویستی دورکیمی قرار می‌گیرد. البته باید گفت که گیرتز در ریشه‌های فکری اش در کنار وبر، و افزون بر فلسفه، روانکاری فرویدی را نیز قرار می‌دهد. در کنار فروید می‌توان به مراجع دیگری چون «جولین استیوارد» و محیط‌شناسی فرهنگی او در اندیشه گیرتز اشاره کرد. «لسلی وایت» یکی از مهم‌ترین نمایندگان این مکتب، موضوع نمادین شدن دیدگاه انسان را به‌گونه‌ای زیبا بیان می‌کند. انسان به یاری نمادها، جهان تازه‌ای می‌سازد تا در آن زندگی کند (گیویان، ۱۳۸۶: ۲۵). «وایت» با این بیان زیبا نشان می‌دهد که انسان شدن در حقیقت با زایش فرهنگ اتفاق می‌افتد و زایش فرهنگ نیز چیزی جز نوعی بازتفسیر جهان در یک چارچوب جدید و خاص نیست. انسانی که همواره طبیعت را مشاهده و حس می‌کرده، قرن‌ها و قرن‌ها این مشاهده را تنها در قالب طبیعی ادراک می‌کرده است. اما همین انسان از مرحله‌ای به بعد، طبیعت را از پس پرده فرهنگ می‌بیند و همین او را وامی‌دارد تا طبیعت را نمادین کرده و از آن درک تفسیری داشته باشد (همان).

بحث نماد به همین دلیل از مهم‌ترین مباحث گیرتز است. او در تعریف فرهنگ چنین می‌نویسد که مفهوم فرهنگ از نظر گیرتز یک مفهوم معنایی است. من همچون وبر، بر این باور هستم که انسان همانند جانوری است که درون تاروپودهای معنایی که خود آن‌ها را تنیده، معلق است و به باور من، آن تاروپودها فرهنگ هستند و تحلیل آن‌ها نمی‌تواند براساس یک علم تجربی و در جست‌وجوی قوانین انجام بگیرد؛ بلکه باید از طریق یک علم تفسیری و در جست‌وجوی معنا انجام شود (همان). فرهنگ یک امر عمومی است، زیرا معنا یک امر عمومی است. نظام‌های معنایی لزوماً مشخصه‌ای جمعی از یک گروه هستند. زمانی که عنوان می‌کنیم کنش‌های مردم فرهنگ دیگری به جز فرهنگ خودمان را نمی‌فهمیم، در واقع می‌پذیریم که در آشنایی نسبت به جهان ذهنی‌ای که کنش‌های آن درون آن جهان نشانه به حساب می‌آیند، کمبود داریم (همان: ۱۳-۱۲). گیرتز با بهره‌گیری از رویکرد تفسیری و با گرایشی نمادگرایانه به مطالعه دین در جوامع مختلف و تفسیر و تحلیل نقش و کارکرد آن به مثابه یک نظام فرهنگی پرداخت؛ بنابراین تفسیرگرا بودن گیرتز و تأثیرپذیری او از ماکس وبر و همچنین برخورداری از گرایش فرهنگ‌گرا، نمادگرا، که گیرتز را به درستی باید مهم‌ترین نماینده این مکتب محسوب نمود، دو ویژگی بارز دیدگاه‌های گیرتز در آثارش است.

وی برجسته‌ترین دین‌پژوه نمادگراست که بیانی نمادین از دین ارائه می‌دهد؛ رویکردی که در آن به فرهنگ به مثابه نظام نسبتاً مستقلی از معانی نمادین می‌نگرد و کار انسان‌شناس را هم رمزگشایی و تفسیر این نمادها می‌داند. همین تعریف مبتنی بر کارکرد تفسیری برای انسان‌شناسی است که باعث شده این رویکرد را به‌ویژه در مورد برداشت خاص کلیفورد گیرتز از آن، رویکرد تفسیری نیز بنامد.

درک رویکرد گیرتز به پدیده دین، باید براساس تأکید بر روش‌شناسی تفسیری وی در انسان‌شناسی انجام گیرد که وی را کاملاً از دو سنت تطورگرا و کارکردگرا در جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی جدا می‌کند.

## ۲- آئین‌ها و مناسک و کارکردهای آن از دیدگاه گیرتز: گیرتز به مناسک بیشتر از باورها

توجه نشان می‌دهد؛ زیرا مناسک پدیدآورنده واقعی بودن آموزه‌های دینی و بی‌عیب و نقص بودن آن‌هاست. در مناسک جهان «آن‌گونه که زیسته شده (اخلاق)» و جهان «آن‌گونه که تصور شده (جهان بینی)»، تحت عاملیت مجموعه‌ای از صور نمادین در یکدیگر ادغام و به یک جهان

واحد تبدیل می‌شوند. با این‌که گیرتز وضعیت آرمانی را یکی شدن یا به‌سخنی دیگر، هماهنگی جهان بینی و اخلاق تلقی می‌کند، اما اخلاق را گرمی‌تر می‌داند. از نظر وی ممکن است جهان بینی چنان‌که تصور شده، شیوه زیست‌مان در جهان را شکل دهد، اما جهانی که حاصل زیست ماست، به سبب محل زیستن، جهان واقعی است. گیرتز در کتاب اسلام در کانون مشاهده می‌گوید تدبیر، تنها شامل وقوف بر حقیقت یا علم به آنچه که تصور می‌رود حقیقت است، نیست؛ بلکه آن را به منصفه ظهور درآوردن، یعنی زیستن بر مبنای چنین حقیقتی است؛ بنابراین یکی از اهالی بالی بودن، تنها داشتن دیدگاهی معین نسبت به فرد، زمان و رفتار اجتماعی نیست، بلکه زندگی کردن با این دیدگاه‌هاست. در واقع راه اصلی رستگاری، به‌جا آوردن مناسک است (Greetz, 1972: 126).

**۳- ظهور مقدسات به واسطه مناسک:** مناسک از نظر گیرتز نوعی جهش‌اند. مؤمنان در مناسک دینی به درون امر قدسی جهش می‌کنند و از همین‌روست که پس از انجام دادن مناسک و بازگشت به زندگی عادی تغییر می‌کنند و به انسان‌های متفاوتی تبدیل می‌شوند. او معتقد است که ماندن در زندگی دینی یا لحظه مقدس امری گذراست. در واقع، لحظه مقدس، لحظه‌ای است که انسان‌ها از دنیای روزمره و معمولی خود جدا می‌شوند و رویارویی با امر مقدس را تجربه می‌کنند. در آن لحظه، هیچ تماسی با فردی که با امر مقدس روبه‌رو شده، امکان پذیر نیست و آنچه که پژوهشگر با آن مواجه می‌شود، مربوط به پس از آن لحظه است.

از نظر گیرتز، هرچند لحظه مقدس در لحظه‌ای گذرا رخ می‌نماید، اما بسیار حیاتی و سرنوشت‌ساز است. در لحظه مقدس، گذر زمان بسیار پررنگ می‌شود و یک دگرگونی اساسی، از آنچه قبلاً بود، به آنچه که بعداً می‌آید اتفاق می‌افتد. این امر نمایانگر یک نقطه عطف، یک دگرگونی یا مرحله‌ای حساس است که پیش آمده و از میان رفته است. در واقع فرد همان فرد قبلی نیست، بلکه وارد مرحله جدیدی از زندگی‌اش شده و آینده جدید فراروی اوست. به سخن دیگر، شیوه جدید یک زندگی نو و دوره‌ای جدید فراهم می‌گردد؛ بنابراین، امر مقدس پدیده‌ای ضروری است و هنگامی که رخ می‌نماید، امری مهم اتفاق می‌افتد؛ یعنی تغییری اساسی در نگرش، استنباط، جهت‌گیری یا خودشناسی و نوعی دگرگونی در شیوه زندگی گروهی یا شخصی پدید می‌آید. امر مقدس، شیوه خودشناسی افراد، تجربه کردن زمان و عملکرد اجتماعی اعضا را تغییر می‌دهد (Greetz, 1972: 220).

از نظر گیرتز، امر مقدس همه‌جا در چارچوب دین، واجد یک حس الزام درونی است که نه تنها افراد را به سرسپردگی ترغیب می‌کند، بلکه حتی آن را ایجاب می‌کند؛ نه تنها مایه ایجاد رضایتی عقلانی است، بلکه حتی تعهدی عاطفی را تقویت می‌کند. امر مقدس خواه به‌عنوان مانا، برهما یا تثلیث مقدس مطرح شده باشد، متمایز از امر دنیوی است؛ به طوری که قطعاً تصور می‌شود واجد معانی ضمنی گسترده‌ای برای هدایت بخشی رفتار انسان باشد.

در واقع از نظر گیرتز، این مناسک است که امر مقدس را تولید می‌کند و همچنین با بردن امر مقدس در چارچوب جهان دیگر، نخستین حلقه ارتباط را فراهم می‌آورد تا آن را به دین وصل نماید. آن جهان، ممکن است جهان کیهانی و عظیم، یا طبیعت و مظاهر آن یا برخی جهان‌های فراطبیعی از هستی‌ها و معانی که این جهان را شکل می‌دهند و اداره می‌کنند باشد؛ با این‌همه، امر متعالی تصور می‌شود. مناسک فرآیندی را آغاز می‌کند که از طریق آن، امر مقدس در یک جهان بینی کلی‌تر، عمومی‌تر، انتزاعی‌تر و مقتدرانه‌تر ساخته می‌شود (نادری، ۱۳۹۱: ۶۹).

### یافته‌های میدانی تحقیق (توصیف مراسم و آئین پری خوانی)

تا حدود یک صدسال گذشته، پیش از یکجانشینی اقوام ترکمن مراسم پری خوانی در داخل آلچیق، مسکن متحرک اقوام ترکمن برگزار می‌شد. آتش همواره در میانه آن روشن بود و پری خوان شمشیر یا کفگیر خود را در آن می‌گذاخت، به پا یا تن بیمار می‌زد تا نیروهای ناپاک یا جن‌های کافر را از

جسم و روح بیمار براند؛ به طور کلی در آئین پری خوانی شمشیر یا کفگیر زدن بیمار نمادی از راندن یا زدودن بیمار از نیروهای شر و ناپاکی هاست. خلسه و ارتباط با ارواح به عنوان دو مرحله پیوسته همانند شمنیسم در مراسم پری خوانی قابل ملاحظه است. استفاده از ساز و نوای موسیقایی، انجام حرکات موزون و چرخیدن با طناب از مهم‌ترین شیوه‌های ورود پری خوان به عالم خلسه است. مراسم پری خوانی با نواختن تار و خواندن مقام‌هایی از موسیقی که مخصوص آئین پری خوانی است توسط بخشی (خواننده و نوازنده) ترکمن آغاز می‌شود. پری خوان نخست با ریتم و آواز بخشی شروع به تکان دادن و لرزاندن کتف‌های خود می‌کند؛ سپس ریتم حرکات او تندتر شده و به حرکات سریع سر و بدن و جستن از جا مبدل می‌شود. ساز، حرکات موزون پری خوان را به حالت خلسه فرو می‌برد و زمانی که این حالت به اوج خود رسید، با طنابی که به سقف آلاچیق یا اتاق آویزان است شروع به چرخیدن و گاه نعره زدن می‌کند. در این حالت خلسه به اوج خود می‌رسد و پری خوان با دنیای آل و ارواح ارتباط برقرار می‌سازد و به عبارت دیگر به پرواز درمی‌آید. شکار یا سفر در غالب روح حیوانی، یکی دیگر از ویژگی‌های آئین پری خوانی است. در آئین پری خوانی، حیوان «قوچ» نمادی است که پری خوان در غالب آن به دنیای آل و ارواح جن و پری سفر می‌کند و به عبارت دیگر با روح حیوان قوچ آمیخته شده و به شکار آل و ارواح می‌رود. در اینجا قوچ نماد روح حیوان توتمی یا روح محافظ پری خوان است.

در دامنه کوه‌های کوپت داغ، نگارکنده‌هایی که عقاید مذهبی افراد را منعکس می‌سازند، بسیار است. هنرهای سنگی که حاوی محتوای واضح مذهبی هستند، شامل تصاویری از شاخ قوچ، گرگ، کاروان شتر، بزکوهی، گوزن و اسب هستند.

در دره رودخانه چاندیز در منطقه بالخان، براساس یافته‌های جمعی از اعضاء پژوهشگاه تاریخ، زبان و ادبیات ترکمن نگارکنده‌هایی از انواع بزکوهی، بز، اسب، شتر و انواع پرندگان شکاری در حالت ایستایی نشان داده می‌شوند. درصدی از تصاویر مختلف در دره کچی بیزلی در شمال کشور ترکمنستان تصاویری نقوش صخره‌ای شمنی است که انسان‌هایی با شاخ قوچ کوهی به تصویر کشیده شده‌اند (تصویر ۱). به نظر می‌رسد این هنر صخره‌ای، بقایای باورهای شمنی مردمان آن منطقه بوده باشد (Sultanova, 2014: 161).



تصویر ۱. نقوش شمنی سنگ‌نگاره‌های Saimaluu-Tash (Tashbaeva, 2001: Fig. 32).

در مرحلهٔ دیگری از آئین پری خوانی، پری خوان مثل قوچ، شاخ می‌زند و دست بیمار را می‌بندد و مانند قوچ به سمت او حمله‌ور می‌شود (تصویر ۲). پری خوان در این مرحله با سر خویش، مانند حالت گرفتن قوچ به در اناق حمله‌ور می‌شود. او مانند حرکت قوچ به اجنه حمله می‌کند. از نگاه او، اجنه یا جن‌های سیاه به شکل حرکت قوچ حمله‌ور می‌شوند. جن‌ها به شکل قوچ درمی‌آیند و می‌خواهند که مثل قوچ با آن‌ها نزاع شود؛ اگرچه پری خوان خود را به هیئت قوچ در نمی‌آورد، اما در غالب روح حیوانی آن سفر می‌کند و به شکار می‌پردازد. در اغلب سنگ‌نگاره‌های بازمانده از شمنیسم اگرچه تصاویری از برخی حیوانات دیده می‌شود، اما تصاویر بسیاری از قوچ‌ها یافت شده که بیانگر اهمیت آن نزد شمن‌ها بوده است.



تصویر ۲. پری خوان در غالب روح حیوانی (قوچ) در حال مبارزه با نیروهای شر (نگارندگان، ۱۳۹۸).

براساس تفسیری از این سنگ‌نگاره‌ها، پوشش سر شمن از پوست قوچ ساخته می‌شد که شاخ و گوش‌های آن دست‌نخورده باقی می‌ماند. شاخ قوچ، توتم اجداد ترکمن، یعنی اوغوزها بوده است. ابتدا اوغوزها و بعد ترکمن‌ها این حیوان را نماد باروری و زایش قرار داده و نزد آنان از اهمیت خاصی برخوردار شده است؛ علاوه بر باورها و ادبیات عامیانهٔ اقوام ترکمن، نقش و تصویر قوچ در ابعاد مختلف زندگی عادی ترکمن‌ها نیز دیده می‌شود.

براساس دیدگاه گیرتز که فرهنگ را به مثابهٔ متنی در نظر می‌گیرد که از مفاهیم مختلفی برخوردار است، او این روش را «رویکرد تفسیری» می‌نامد. براساس نقوش صخره‌ای در مناطقی از کشور ترکمنستان کنونی و کتیبهٔ اورخون در کشور مغولستان، حیوان قوچ از روزگان ترکان باستان به عنوان توتم این اقوام و در اسطوره‌های مردمان ترک به عنوان نماد شجاعت، دلیری و رشادت بوده است. امروزه شاخ قوچ در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی اقوام ترکمن خود را نشان می‌دهد. در قبرستان‌های قدیمی ترکمن صحرا پیش از پیدایش سنگ‌مزارهای امروزی بر سر مزار مردمان شجاع و پهلوانان، چوب تراشیده‌ای به شکل شاخ قوچ قرار می‌دادند که نشانهٔ جوان بودن و دلیری او بوده است؛ همچنین بر سردر ورودی برخی از منازل قدیمی و در اناق مهمان، گاه شاخ قوچ‌کوهی نصب می‌کردند و در باورهای کهن اقوام ترکمن، شاخ قوچ نشانهٔ قدرتمندی و بقای ایل و طایفه نیز به شمار می‌رفته است. نبرد پری خوان با موجودات شرور در غالب تهاجم قوچ، باوری دیرینه است که در اعتقادات کهن و دیرین اقوام ترکمن ریشه دارد و پری خوان در غالب روح حیوان قوچ که ریشه در باورهای توتمیک اغوزهای ترک دارد، درصدد شکست دشمن خویش برمی‌آید.

در باورهای شمنی ترکمن‌ها، ارواح به دو دستهٔ «نر» و «ماده» تقسیم می‌شوند. ارواح ماده بسیار قدرتمند و خطرناکند و عامل بسیاری از ناراحتی‌ها و بیماری‌ها به شمار می‌روند. «آل» در باور

ترکمن‌ها روح مادینه است، بسیار زیبا و قوی و بلندبالاست و گیسوانی دراز دارد. ظاهراً نوع مذکر آل از ارواح نیکوکار محسوب می‌شود. پری‌خوان‌ها علاوه بر جن و پری با آل نیز ارتباط برقرار می‌کنند. از نظر پری‌خوان‌ها، جن موجودی دروغگو و بی‌خاصیت است. آل دروغ نمی‌گوید، راست‌گو است. جن نشانی از خود به‌جا نمی‌گذارد، اما آل از خود نشان می‌گذارد. این نشان را معمولاً بر بدن پری‌خوان یا بیمار می‌گذارد (ندیمی، ۱۳۷۸: ۶۳).

### تبیین و تفسیر انسان‌شناسانه مراسم و آئین پری‌خوانی براساس دیدگاه گیرتز

در بین طوایف ترکمن، شیوه‌های درمانی متنوعی وجود دارد. به‌طور کلی شیوه‌های درمانی ترکمن‌ها بر باورهای کهن قومی همچون روح‌پنداری و عقاید شمنی استوار است که به‌تدریج با باورهای دینی آمیخته شده و شاید بتوان گفت نشانه‌هایی از آئین شمنی با آمیختگی‌های دینی توانسته در میان ترکمن‌ها تا به امروز باقی مانده و به حیات خویش ادامه دهد.

درمان‌گری در آئین شمنیسم به مفهوم درمان و شفابخشی بیماران است که با انجام یک سری اعمال و تشریفات برای درمان افرادی که دستخوش حالت درمان‌گری و تشویش‌انگیز شده‌اند صورت می‌گیرد. در این آئین از طریق اجرای مراسم و آئین‌ها به‌وسیلهٔ درمان‌گر (شمن)، افراد هیجانانگیز و آشفتگی‌هایی که در درونشان انباشته‌اند را بیرون می‌ریزند. در بین طوایف ترکمن پری‌خوان‌ها طی اعمال خلسه‌گونه و جذبه‌انگیز ارواح خبیثه را از کالبد بیماران خارج می‌سازند و با حرکات و تشریفات نمایش‌گونه درصدد علاج روانی بیماران برمی‌آیند. در این نوع درمان‌گری از طریق نمایش‌های اعجاب‌انگیز مذهبی و آئینی در تمام تمدن‌های باستانی از گذشته تا به امروز چنین نقشی قدرت‌گونه داشته‌اند که امروزه بقایای آن در آئین شمنی هویداست (عنصری، ۱۳۶۸: ۱۵۹).

مراسم پری‌خوانی با نواختن دوتار و خواندن موسیقی ازسوی بخشی ترکمن آغاز می‌شود (تصویر ۳)؛ در این مرحله پری‌خوان با شنیدن نوای موسیقی حالت سماع به خود می‌گیرد. این حرکات با رازها و رمزهایی همراه است. اجرای موسیقی فضای شوق‌انگیزی را برای حضار ایجاد می‌کند. پری‌خوان در این مرحله همزمان با اجرای موسیقی در حالت چهارزانو نشسته و در همین حالت به سمت بالا می‌جهد و گاه به خود پیچیده، به اطرافش خیره می‌شود. آوای موسیقی درطول مراسم پری‌خوانی همواره باید شنیده شود و قطع شدن آن پری‌خوان را از ادامهٔ سفرش و اجرای مراسم بازخواهد داشت. این موضوع پری‌خوانی را در ردیف موسیقی درمانی نیز قرار می‌دهد. در این آئین موسیقی برای پری‌خوان و بیماران از جنبه‌های مختلف قابل بررسی است.



تصویر ۳. نواختن موسیقی در مراسم و آئین پری‌خوانی (نگارندگان، ۱۳۹۸).

از بُعد انفعالات درونی، موسیقی به‌عنوان ابزاری جهت ظهور احوالات درونی انسان از دیرباز مورد توجه بوده است.

براساس دیدگاه گیرتز می‌توان درباره نقش موسیقی در آئین پری خوانی این‌گونه تحلیل نمود که اجرای موسیقی در مراسم پری خوانی از دیدگاه پری خوان‌ها زمینه اجرای مراسم را فراهم می‌سازد. پری خوان‌ها در هر زمان که احساس کنند از سوی نیروهای آسیب‌رسان تحت فشار روحی قرار می‌گیرند، از نوازندگان و خوانندگان موسیقی ترکمن دعوت می‌کنند تا برای رهایی از آسیب نیروهایشان برایشان موسیقی اجرا کنند. آن‌ها خود در مقام‌های موسیقی که در مراسم پری خوانی پررنگ هستند، نشانه‌هایی قائل‌اند که این نشانه‌ها براساس باورهایشان زمینه سفر روحانی آن‌ها را فراهم می‌سازند. گرچه پری خوان‌ها جایگاه این مقام‌ها را در اجرای مراسم به‌طور آشکار نمی‌دانند، اما برخی از این مقام‌های موسیقی در افسانه‌ها و اسطوره‌های مردم ترکمن به سفرهای روحانی و پرواز پرندگان اشاره می‌کنند که پرواز روح و ورود به عالم ماوراء را برای مخاطبان نشان بازگو می‌کنند. پری خوان‌ها در احوالاتشان در هر زمان و مکان به محض این‌که تحت فشارهای روحی قرار می‌گیرند و نیز در آغاز اجرای مراسم پری خوانی برای کاستن بار روانی سنگین و عروج از دنیای فعلی‌شان و ورود به عالم خلسه، موسیقی اجرا می‌کنند؛ از سوی دیگر، اجرای موسیقی از بار روانی حصار می‌کاهد و زمینه نشاط را در بیمار نیز فراهم می‌سازد.

در یک مصاحبه با یک پری خوان جوان، نقش موسیقی ترکمن را از او جویا شدیم و وی چنین پاسخ داد: «نواختن موسیقی و شنیدن صدای موسیقی در گام اول به افزایش انرژی پری خوان برای احضار لشکریانش جهت مهار نیروهای شری که بیمار را احاطه نموده‌اند، نقش مؤثری ایفا می‌کند؛ از سوی دیگر موسیقی ذهن بیمار را به‌خود مشغول می‌کند و با ایجاد طراوات در بیماران، مرحله مقاومت بیمار را در برابر لشکریان پری خوان به‌اندازه قابل توجهی می‌کاهد. موسیقی در آئین پری خوانی، بیمار را از ترس می‌رهاند و نشان شادی در بیمار و درمان‌گر است. اگر افسون موسیقی با قدرت مراقبه و سایر روش‌های ارتباط با درون همراه با نیروی درونی ترکیب شود، امکان شفایابی به نهایت می‌رسد (مصاحبه با سبحان پری خوان، آذر ۱۳۹۸).

«سماع و وجود و چرخش‌های پری خوان در این مرحله با قدرت موسیقیایی درهم می‌آمیزد و قدرت او را در مهار درد و رنج بیمار به حد اعلی می‌رساند. آزاد شدن نیروهای درونی پری خوان با چرخش و از طریق آویزان شدن از طنابی که در وسط اتاق تعبیه شده (تصویر ۴) از مراحل اساسی آئین پری خوانی به‌شمار می‌رود» (مصاحبه با احمد پری خوان، آذر ۱۳۹۸).



تصویر ۴. جذبه و خلسه پری خوان برای تسخیر روح از طریق چرخش با طناب (نگارندگان، ۱۳۹۷).

سمع در غالب چرخش و گوش دادن فراوان به موسیقی خلسه‌های پی‌درپی پری‌خوان یکی از نشانه‌های بارزی است که پیوند عمیقی بین این آئین و تصوف برقرار می‌سازد. گویا شمنیسم و برخی از اجزای آن، از جمله - فنون خلسگی - تحت تأثیر گرایش صوفیانه بوده است؛ افزون بر این، در سده‌های میانه در میان ترکمن‌ها و بسیاری از اقوام و مردمان دیگر آسیای میانه، فرقه‌ها و طریقت‌های صوفی مسلک به‌ویژه «فرقه یسوعی» (قرن دوازدهم میلادی) و «نقشبندیه» (قرن پانزدهم میلادی) رواج یافت.

یکی از قابلیت‌های اساسی و عمومی برای رسیدن به مقام شمنی و تصرف در عالم ماده و ارتباط با عالم ماوراء و درمان‌گری و ساحری، ورود به عرصه خلسه است؛ قابلیت‌هایی که از مرزهای اصلی تمیز شمن و جادوگر محسوب می‌شود. به این معنا گرچه شمن، علاوه بر توانایی دیگر، جادوگر است؛ هر جادوگری به معنای دقیق کلمه نمی‌تواند شمن نامیده شود.

در حقیقت مقام معنوی و اقتدار اجتماعی هر شمن به توانمندی‌های جذبه‌آور او بستگی دارد. در آئین پری‌خوانی اقوام ترکمن خلسه، سماع، آتش و موسیقی عناصر حیاتی پری‌خوان (درمان‌گر) در مداوای بیمار به‌شمار می‌روند. او ابتدا از طریق خلسه و جذبه (تصویر ۵) به دنبال دستیابی به مقام معنوی خویش است و زمینه غلبه بر بیمار را از این طریق فراهم می‌نماید. در گام بعدی به محض ارتباط با بیمار و کنترل نیروهای شر از طریق فراخواندن لشکریانش به درون توبره‌ای که در دیوار اتاق آویزان است، تلاش می‌کند ارواح خبیثه را کنترل کند. پری‌خوان طی یک فرآیند تلفیقی (خلسه - موسیقی) فضای مادی و ماورایی خویش را در کنترل خود درمی‌آورد. او از طریق آتش و گداختن آهن و ایجاد ترس درونی شدید در بیمار که از اصول اساسی آئین‌های شمنی در بین شمن‌های آسیای مرکزی و مغولستان است، زمینه آزاد شدن انرژی منفی را در بیمار را فراهم می‌سازد. در باورهای عامه اقوام ترکمن، ایجاد ترس در بیمار از طریق زدن ضربات پی‌درپی شلاق به یک دشمن فرضی در پزشکی عامیانه از گذشته همواره به‌عنوان یکی از ابزارهای کلیدی مهار نیروهای شر به‌شمار می‌رفته است. پری‌خوان‌ها با ایجاد رعب و وحشت در بیمار و حاضران در جلسه با فرو بردن شمشیر به اعضای بدن بیمار و حاضرین در راندن ارواح خبیثه برمی‌آید. در این مرحله پری‌خوان با ضربات پی‌درپی شلاق، ضرباتی محکم به نیروهای شر وارد می‌سازد (مصاحبه با قوا پری‌خوان، آذر ۱۳۹۸).



تصویر ۵. جذبه و خلسه پری‌خوان برای تسخیر روح از طریق چرخش با طناب (نگارندگان، ۱۳۹۵).

## نتیجه‌گیری

در این پژوهش با استفاده از روش میدانی و کتابخانه‌ای به تبیین و تفسیر آئین پری خوانی در میان اقوام ترکمن از دیدگاه انسان‌شناسی تفسیری پرداخته شد. آئین پری خوانی به عنوان بقایا و بازمانده آئین شمنی ادیان ابتدایی ترکان اوغوز است. در ساختار و ابعاد مختلف این آئین به عناصر نمادینی برمی‌خوریم که ریشه در باورها و ادیان ابتدایی اقوام ترکمن (اوغوزها) دارند.

در این پژوهش با به‌کارگیری روش تفسیری گلیفورد گیرتز که به تبیین و تفسیر نمادین آئین‌ها و فرهنگ می‌پردازد، به تفسیر و تبیین انسان‌شناسانه آئین پری خوانی پرداخته شد. نظریه گیرتز، روش اتیک (Etic) که دیدگاه و تبیین پژوهشگر انسان‌شناس است و روش امیک (Emic) که دیدگاه شرکت‌کنندگان در مناسک است را ارائه می‌دهد. در این راستا با روش مشاهده مستقیم به مصاحبه با پری خوان‌ها و شرکت‌کنندگان در آئین پرداخته شد. تبیین‌های انسان‌شناسانه در چارچوب نظریه گیرتز در بخش میدانی با عنوان تبیین و تفسیر مراسم و آئین پری خوانی ارائه شد.

مهم‌ترین بخش این آئین، جذبه و خلصه پری خوان است که با نواختن موسیقی ترکمن توسط بخشی‌ها، نوازندگان و خوانندگان، پری خوان به حالت خلصه و سماع درمی‌آید. نقش موسیقی براساس روش تفسیری گیرتز، مورد بحث قرار گرفت. از دیدگاه پری خوان، موسیقی دو کارکرد مهم و ویژه برای او دارد؛ کارکرد اصلی موسیقی از نگاه پری خوان، مهار نیروهایی است که او را مورد آزار و اذیت قرار می‌دهند. پس از مرحله تشرف و شمن شدن، این فشارها در شرایط عادی و زندگی روزمره همچنان ادامه می‌یابند. پری خوان‌ها برای مهار این نیروها به نزد بخشی‌ها می‌روند و در جلسه دوستانه و خصوصی برای کسب آرامش درخواست خواندن موسیقی ترکمن از بخشی‌ها می‌کنند. در دوره باستان اوزان‌ها می‌خواندند و خنیاگران وقایع تاریخی را روایت می‌کردند. شمن‌های تُرک همواره همراه با خنیاگران و اوزان‌ها به مداوای بیماران می‌پرداختند. احتمالاً مراسم شمن‌ها از روزگاران قدیم با اجرای موسیقی همراه بوده است.

در آئین پری خوانی به عنوان بازمانده آئین شمنیسم، اجرای موسیقی گامی مهم در ورود به عالم خلصه محسوب می‌شود. موسیقی پری خوانی آرامش درون برای پری خوان، بیمار و حاضرین فراهم می‌سازد؛ بنابراین موسیقی پری خوانی دو کارکرد عمده را در پی دارد؛ نخست، زمینه خلصه و سماع، عالم درون پری خوان را آماده می‌سازد. دوم، احساسات درونی بیمار و حاضرین برای اجرای مراسم را برمی‌انگیزد و در مجموع فضا را برای اجرای مراسم آماده می‌سازد (اتیک).

همچنین از دیدگاه اتیک مهم‌ترین بخش آئین شمنیسم سماع و ورود به عالم خلصه است؛ معمولاً با اجرای موسیقی و در برخی از آئین‌های تصوف با دف زدن همراه است. در مرحله خلصه، نبرد پری خوان در غالب حیوان قوچ آغاز می‌شود. از دیدگاه امیک، پری خوان حریف خویش را در غالب حیوان قوچ می‌بیند؛ اما از دیدگاه اتیک، نبرد شمن‌ها در قالب قوچ براساس نقوش صخره‌ای ریشه در باورهای توتیمیک اقوام ترکمن دارد. عنصر آتش از دیدگاه اتیک، نماد پاکی است و پری خوان آتش را ابزاری برای پاکسازی محیط و بیمارش تصور می‌کند و آتش و خنجر هر دو با ایجاد ترس عمیق در بیمار، زمینه رها شدن از قیدوبندهای درونی را در وجود او فراهم می‌سازد. در نهایت آئین پری خوانی به عنوان بقایای آئین شمنیسم، امروزه تنها کارکرد درمانی خویش را حفظ نموده و شمن‌ها همانند دوران باستان دیگر نقش رهبری و سایر کارکردهای اجتماعی‌شان را پس از پذیرش دین اسلام از سوی ترکان اوغوز از دست داده‌اند.

## کتابنامه

- الیاده، میرچا (۱۳۷۲). رساله در تاریخ ادیان. ترجمه جلال ستاری، تهران: انتشارات سروش.
- الیاده، میرچا (۱۳۸۲). از جادو درمانگران تا اسلام. ترجمه مانی صالحی‌علامه، تهران: ورجاوند.

- الیاده، میرچا (۱۳۹۲). شمنیسم فنون کهن خلسه. ترجمه محمدکاظم مهاجری، تهران: نشر ادیان.
- آبرونز، ویلیام. جی (۱۳۸۶). ترکمن‌های یموت، مطالعه سازمان اجتماعی در یک جمعیت ترک‌زبان در آسیای مرکزی. ترجمه محمدامین کنعانی، تهران: نقد افکار و سازمان میراث فرهنگی و گردشگری.
- بارتولد، واسیلی ولادیمیرویچ (۱۳۶۶). ترکستان نامه. ترجمه کریم کشاورز، تهران: انتشارات آگاه.
- بارتولد، واسیلی ولادیمیرویچ (۱۳۷۶). تاریخ ترک‌های آسیای میانه. ترجمه غفار حسینی، تهران: توس.
- دی‌مور، جری (۱۳۸۹). زندگی و اندیشه بزرگان انسان‌شناسی. ترجمه هاشم آقابیک‌پوری و جعفر احمدی، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- سومر، فاروق (۱۳۸۰). اوغوزها. ترجمه آنادردی عنصری، گنبد کاووس: انتشارات حاج طلایی.
- عسکری خانقاه، اصغر؛ و کمالی، محمدشریف (۱۳۷۴). ایرانیان ترکمن. تهران: انتشارات اساطیر.
- عناصری، جابر (۱۳۶۸). مردم‌شناسی و روان‌شناسی هنری. تهران: انتشارات اسپرک.
- فرهنگ، سبحان (۱۳۹۸). «پرخوان (شمن)»، ۳۷ ساله، مصاحبه‌شونده (آذرماه).
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۶). «نگاهی بر رویکرد تفسیری کلیفورد گیرتز با تأکید بر تفسیر او از پدیده دینی». نامه علوم اجتماعی، شماره ۳۱، صص: ۱۲۳-۱۰۳.
- قوا (۱۳۹۸). معروف به «قوا پرخوان»، ۵۰ ساله، مصاحبه‌شونده (آذرماه).
- قفس اوغلو، ابراهیم (۲۰۰۵). نام ترکمن مفهوم و ماهیت آن. ترجمه بی‌بی‌مریم شرعی. [www.turkmenstudents.com](http://www.turkmenstudents.com)
- گیویان، عبدالله (۱۳۸۶). «کلیفورد گیرتز و دیدگاه تفسیری او در باب دین و فرهنگ». مطالعات فرهنگی و ارتباطات، دوره ۳، شماره ۱۰، صص: ۲۷-۱.
- لوگاشووا، بی‌بی‌رابعه (۱۳۵۹). ترکمن‌های ایران. ترجمه سیروس ایزدی و حسین تحویلی، تهران: شباهنگ.
- محمدی، احمدخان (۱۳۹۸). معروف به «احمد پرخوان (شمن)»، ۵۰ ساله، مصاحبه‌شونده (آذرماه).
- مرادی، منصور (۱۳۸۹). «موسیقی درمانی در ترکمن صحرا (پری‌خوانی)». فصلنامه علوم اجتماعی. شماره ۴۸، صص: ۲۱۹-۱۸۷.
- مقصودی، منیژه (۱۳۹۲). «فرآیند تحول آئین‌های درمانگری ترکمن‌های ایران». پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، دوره ۳، شماره ۲، صص: ۸۵-۱۰۱.
- مولوی، مولانا جلال‌الدین محمد بلخی رومی (۱۳۸۶). دیوان شمس. تصحیح: بدیع‌الزمان فروزانفر، تهران: امیرکبیر.
- مینورسکی، ولادیمیر (۱۹۶۰). تاریخ مختصر ترکمن. ترجمه عباس مخبر، تهران: اسناد کتابخانه ملی.
- نادری، احمد (۱۳۹۱). «کلیفورد گیرتز، از پوزیتیویسم تا انسان‌شناسی تفسیری». پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، دوره ۲، شماره ۱، صص: ۸۴-۶۱.
- ندیمی، کمال‌الدین (۱۳۷۸). پژوهش‌هایی بر فرهنگ و تمدن مردم گلستان. گرگان: انتشارات مختومقلی فراغی.
- همیلتون، ملکم (۱۳۷۷). جامعه‌شناسی دین. ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات تبیان.

- یاکوبسن، رومن (۱۳۶۶). شمن باوری و شمنیسم. ترجمه علی اصغر مرادی، تهران: انتشارات شباهنگ.

- Bosworth, C. E., (2003). *Shamanism. History of civilization of central Asia*. Vol. 5. UK.

- Buldick, J., (2012). *Animal and Shaman*. Anthropological Institute of Britain and Ireland UK.

- Chistina, P., (2007). *Rock Art From Shamanism to Islam Within Turkic Oghuz*. New York: The Rosen publishing group.

- Greetz, C., (1972). *Islam observed: religious development in morocco and Indonesia*. New haven: Yale university press.

- Geertz, C., (1973). *Interpretation of Culture*. Selected essays, basic Books. New York.

- Hasting, J., (1928). *Encyclopedia of Religion and Ethics*. Volum X1. New York. Ejin burgh.

- Inan, A., (1988). *Musuluman Turklerde samanizm kalintilari*. makaleler ve Inceler. Ankara.

- Menges, K. H. (1995). *The Turkic Languages and Peoples*. Harrassowitz Verlag.

- Sultanova, R. (2014). *From Shamanasim to Sufism: Women Islam and Cculture in Central Asia*. I. B. Tauris.

- Tashbaeva, K. I. (2001). *Petroglyphs of Central Asia*. Nacional 'Naja' Kniznaja Plata.

- Wallis, R. J., (2019). "Art and shamanism: From Cave Painting to the Cube". *Religions*. Vol. 10, No. 54, Pp: 1-20.